

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش به طلاق در پیمایش‌های انجام‌شده طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۴

محمود مشفق*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۳

چکیده

این مقاله به سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش به طلاق در
پیمایش‌های منتخب طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۷۴ می‌پردازد. روش تحقیق
فراتحلیل است. محاسبه ضرایب اثر نشان می‌دهد که برخلاف پژوهش‌های
قبلی که نشان‌دهنده آن بودند که عواملی نظیر درآمد و بیکاری از عوامل
درجه نخست گرایش به طلاق بوده‌اند، در حال حاضر شکل توزیع قدرت
در خانواده با ضریب اثر ۰/۸ مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده طلاق شناخته شده
و بعد از آن عواملی چون دخالت اطرافیان با ضریب اثر ۰/۷۱، رفتارهای
خشونت‌آمیز با ضریب اثر ۰/۶۵ و مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی با

ضریب اثر ۰/۶۲ مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده طلاق در کشور هستند. با توجه به این‌که موازنه قدرت در خانواده ایرانی، دچار تغییرات اساسی شده است، مردان بایستی نقش تعیین‌کننده زنان در مدیریت و تصمیم‌گیری‌های خانوادگی را به رسمیت بشناسند. مددکاران اجتماعی با توجه به تغییرات ایجادشده در ساختار خانواده بایستی در زمینه حل و مدیریت تعارضات خانوادگی، زوجین را کمک کنند و از طریق مداخلات مددکارانه به‌موقع، به ترمیم روابط آسیب‌دیده در خانواده‌های در شرف طلاق بپردازند.

واژه‌های کلیدی: فرا تحلیل، اندازه اثر، ساختار قدرت، صمیمیت، مهارت‌های ارتباطی

مقدمه و طرح مسئله

نتایج مطالعات محققان و صاحب‌نظران اجتماعی نشان می‌دهد که طلاق و از هم گسیختگی خانوادگی در شرایط کنونی تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، طلاق زمانی تبدیل به یک آسیب اجتماعی می‌شود که حد آن از آستانه‌های متعارف و قابل تحمل اجتماعی بگذرد و یا به عبارتی، افزایش آن با افزایش جمعیت و همچنین افزایش ازدواج‌ها متناسب نباشد و تعداد طلاق‌ها از حد معینی بگذرد، یا به بیان دیگر پدیده طلاق، مرضی یا آنومیک تلقی شود. در این موقع است که طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی می‌تواند نظم اجتماعی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد. آمارها و شاخص‌های ازدواج و طلاق در کشور نشان می‌دهد که وضعیت کنونی طلاق در کشور در شرایط مرضی و آنومیک است و طلاق یکی از مسائل اجتماعی مهم کشور ما محسوب می‌شود. تغییرات نسبت طلاق به ازدواج طی دهه اخیر این وضعیت را به شکل نسبتاً واضحی نشان می‌دهد.

بررسی شاخص آماری نسبت طلاق به هر صد ازدواج نشان می‌دهد که این نسبت در سال ۱۳۷۵ برابر با ۷/۸۹ طلاق نسبت به هر صد ازدواج بوده است که در سال ۱۳۹۰

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۳

به ۱۶/۳۳ طلاق در مقابل هر ۱۰۰ ازدواج و در سال ۱۳۹۵ به حدود ۲۶ طلاق در مقابل هر ۱۰۰ ازدواج رسیده است، که نشان‌دهنده حدود سه برابر شدن طلاق در کشور طی سه دهه اخیر است (محاسبه نگارنده بر اساس داده‌های ثبتی سازمان ثبت‌احوال ایران، ۱۳۹۵).

نظریات ساختی - کارکردی بر این مدعا هستند که در جوامع امروزی نقش‌های اجتماعی و خانوادگی زنان در اثر فرایند نوسازی و تغییرات ساختی نسبت به جوامع سنتی تغییرات اساسی نموده است. در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه سطح تحصیلات و مشارکت اقتصادی زنان به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است، زنان امروزی معتقدند که دیگر نقش اصلی آن‌ها خانه‌داری و فرزند آوری نیست، آن‌ها در خارج از خانه کار می‌کنند و در تأمین منابع اقتصادی خانواده نقش اساسی دارند. زنان دیگر حاضر به پذیرش ساختار سنتی سلسله‌مراتب قدرت در خانواده نیستند، آن‌ها می‌خواهند سهم خود را از دارایی‌ها و اعمال قدرت افزایش دهند، آن‌ها می‌خواهند که مردان در درون خانواده مشارکت بیشتری داشته باشند و در نگرش‌ها و رفتارهای مردسالارانه خود تجدیدنظر کنند، اما بسیاری از مردان بر جایگاه دیرینه خود در سلسله‌مراتب خانواده اصرار می‌ورزند، اینجا است که کشاکش کسب قدرت زمینه‌ساز اختلافات و درگیری‌ها می‌شود.

از سوی دیگر، برخلاف خانواده‌های سنتی که امر اقتصادی به‌عنوان یک پارامتر تعیین‌کننده در دوام و بقا خانواده محسوب می‌شد، کوشن در واکاوی ریشه‌ای‌ترین عوامل طلاق در جوامع نوسازی شده، بر تغییرات ارزشی و نگرشی جامعه تأکید کرده و معتقد است پدیده طلاق بیش از آن‌که معلول گسیختگی و تباهی خانواده باشد، محصول دگرگونی‌های به وجود آمده در ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی جوامع است. امروزه دیگر زن و شوهر برای تأمین نیازمندی‌ها و خدمات خود تنها به خانواده متکی نیستند، از این‌رو گسست پیوند زناشویی بسیار آسان‌تر شده و ننگ بزرگی شمرده

نمی‌شود (کوئن^۱، ۱۳۸۹:۱۳۳). چارلین بیان می‌دارد که در قرن بیستم طلاق به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای امری فرهنگی و اجتماعی شده است و به عنوان برآیندی از روندهای شیوع سکولاریسم (دنیاگرایی)، آزادسازی هنجارهای انتخاب فردی و کاهش نفوذ مذهب می‌باشد. این مسئله تا حدود زیادی منبعث از تقدس زدایی و دین زدایی از نهاد ازدواج و خانواده در جامعه مدرن غربی است. برای بسیاری ازدواج تبدیل به یک انتخاب فردی شده تا یک عهد و پیمان در برابر خداوند و این مسئله موجب شده که ماهیت موقتی بودن آن بیشتر مورد توجه قرار گیرد (چارلین، ۲۰۰۴).

شواهد آماری و علمی نشان می‌دهند که این‌گونه تغییرات در جامعه ما هم در حال شکل‌گیری است، طلاق و گسست خانواده نه تنها هر چه بیشتر خصوصیتی تفریدی پیدا می‌کند بلکه ما شاهد نوعی دگردیسی در زنجیره علل و عوامل طلاق در عصر حاضر هستیم. در ایران امروزی با سرعتی باور نکردنی از امر طلاق قبیح زدایی می‌شود، حتی برای بسیاری، طلاق نوعی رهایی و آزادی است تا یک عمل ضد ارزش. با توجه به اهمیت ثابت خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی متضمن سلامت و انسجام اجتماعی، این مقاله در راستای شناسایی عوامل طلاق و میزان تأثیر آن‌ها و مقایسه این عوامل با عوامل شناسایی شده در مطالعات قبلی صورت می‌گیرد. در این مقاله تلاش خواهد شد که با توجه به شناخت و رتبه بندی مهمترین علل گرایش به طلاق در کشور، نقش مددکاران اجتماعی در زمینه کاهش طلاق نیز تشریح شود.

در زمینه فراتحلیل مطالعات طلاق، بررسی‌های مختلفی در کشور صورت گرفته است (عرب، ابراهیم زاده پزشکی و مروتی شریف آبادی ۱۳۸۱، روشن فکر و جواهری، ۱۳۹۰، کاظمی پور و خوش نویس ۱۳۹۱، اسماعیل زاده، سلطانی فر و همکاران ۱۳۹۲)، اما به نظر می‌رسد مطالعات گذشته کمتر بر اندازه‌گیری اندازه اثر خالص متغیرهای مهم و اثرگذار بر وقوع طلاق پرداخته‌اند. این مقاله در نظر دارد به‌طور

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۵

دقیق و مشخص اندازه اثر خالص هر یک از علل گرایش به طلاق را بر اساس فراتحلیل پیمایش‌های اجتماعی انجام‌شده طی دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۷۴ مورد بررسی قرار دهد. بنابراین سؤال اصلی مقاله این است که مهمترین تعیین‌کننده‌های گرایش طلاق با توجه به نتایج پیمایش‌های انجام‌شده طی دو دهه اخیر کدامند؟ میزان اثرگذاری این عوامل بر گرایش به طلاق چقدر است؟ آیا از فصل اشتراک‌های این عوامل می‌توان به یک مدل مفهومی درباره علل گرایش به طلاق در ایران معاصر پی برد؟ و این‌که مددکاران اجتماعی در زمینه کاهش طلاق و ترمیم روابط زوجین در معرض طلاق، چه نقشی را بایستی ایفاء کنند؟

مبانی نظری

اندیشمندان اجتماعی در خصوص علل وقوع طلاق نظریه پردازی‌های گوناگونی را از چشم اندازه‌های نظری انجام داده‌اند، در این نظریات به سازه‌های مرکزی قدرت، همسانی و ناهمسانی همسران، تغییرات کارکردی، شبکه روابط اجتماعی، صمیمیت و ... اشاره شده است، در این بخش به مهمترین مفاهیم و سازه‌های مرکزی مرتبط با گسست روابط خانواده و وقوع طلاق با تأکید بر نظریه‌های عمده می‌پردازیم.

ساختار قدرت و پایداری خانواده

انگلس در کتاب "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" به طرح دیدگاهی درباره منشأ تاریخی خانواده پرداخت که مبنای بسیاری از نظریه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی بعدی قرار گرفته است. به اعتقاد وی، در خانوارهای اشتراکی آغاز تاریخ بشر، که زوج‌های متعدد و فرزندان، آنان را در بر می‌گرفت، اداره امور خانه بر عهده زنان بود. ولی به دلیل آنکه کار زنان برای بقای قبیله جنبه حیاتی داشت و یک صنعت عمومی ضروری تلقی می‌شد، زنان از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بودند. اما اهلی

سازی حیوانات و توسعه گله داری به پیدایش منبع ثروت جدیدی برای اجتماع بشری منجر شد و چون کنترل حیوانات قبیله در دست مردان بود، انباشت ثروت در دست مردان باعث گردید که قدرت نسبی آنان در مقایسه با زنان افزایش یابد. در مقابل، ارزش کار و تولید زنان به کاستی گرایید و پایگاه اجتماعی آنان تنزل یافت. در نتیجه، با پیدایش خانواده پدرسالار و به ویژه در شکل تک همسری، اداره امور خانه خصلت عمومی و اجتماعی خود را از دست داد و به صورت یک خدمت خصوصی درآمد. زن اولین خدمتکار خانگی گشت و از شرکت در تولید اجتماعی، بیرون رانده شد. درونمایه اصلی نظریه انگلس، یعنی این فرض که سلطه مردان در کنترل و مالکیت ثروت و ابزار تولید ریشه دارد، از سوی محققان بعدی مفروض گرفته شده یا تأیید گردیده است.

پژوهشگران معاصر اظهار می‌دارند که در بیشتر جوامع کشاورزی، قدرت زنان کمتر بوده است؛ زیرا در این جوامع، نظام وراثت زمین را از پدر به فرزند پسر منتقل می‌کرده و در نتیجه، زنان نوعاً مالک زمین نبوده‌اند. همچنین، در این جوامع زن به هنگام ازدواج، خانه خود را ترک می‌کرده و در اقامتگاه خانواده شوهر زندگی می‌کرده است. یافته‌های مردم شناسی نیز از آن حکایت دارند که با افزایش مشارکت اقتصادی زنان، به ویژه در شرایطی که مردان به فعالیت‌های زنان وابسته باشند، قدرت آنان افزایش یافته و حتی گاهی با قدرت مردان برابری می‌کند. مثلاً گفته می‌شود که در برخی قبایل آفریقایی که زنان بین ۶۰ تا ۸۰ درصد از خوراک قبیله را تأمین می‌کرده‌اند، قدرت تصمیم‌گیری آنان درباره امور قبیله در حد قدرت مردان بوده است. بر پایه مطالعه جدید میان‌فرهنگی نیز که در ۱۱۱ جامعه معاصر صورت گرفته، هرچه مشارکت زنان در نیروی کار بیشتر باشد، امکان این‌که مردان بر آنها اعمال قدرت کنند، کمتر خواهد بود (نجفی، ۱۳۸۲). تغییر نظام تقسیم کار اجتماعی، خروج زنان از چارچوب قواعد هنجاری سنتی خانواده و قدرت بخشی به زنان، موجب شده است که از یک سو کارکردهای نقش همسری و مادری زنان تحت شعاع قرار گیرد و از سوی دیگر این تغییر نقش‌ها مطالبات جدیدی را برای زنان به همراه داشته است. البته با توجه به

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۷

تاخرات اجتماعی و فرهنگی در جوامع در حال توسعه، این ارتقاء موقعیت زنان در سلسله‌مراتب اجتماعی همراه با تعارضات نقشی، فشار نقشی و فاصله نقشی برای آنها بوده است.

همسانی و ناهمسان همسری

نظریه همسان همسری از سوی جامعه‌شناسان ارائه شده است که می‌توان آن را در ابعاد زیر خلاصه نمود:

الف) بعد جغرافیایی - اجتماعی: کرنولند (۱۹۹۵) می‌گوید: (نظریه هم‌جواری می‌پذیرد که ازدواج در میان اشخاصی که از نظر جغرافیایی و اجتماعی به یکدیگر نزدیک هستند به مقیاس گسترده‌تری انجام می‌شود تا ازدواجی که معلول تصادف باشد و می‌افزاید که معنای این سخن، سلطه و چیرگی مکان بر اراده انسان نیست، بلکه بدین معناست که کسانی که به هم نزدیک هستند تعداد زیادی صفات و عادات همگون دارند.

ب) هامیلتون معتقد است: میان سعادت خانوادگی و همگونی تحصیلات همبستگی مستقیمی وجود دارد.

ج) به اعتقاد وود در اثر معروفش "ازدواج از دیدگاه مذهبی" هر قدر ناهمگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلاف و کشمکش‌های ایشان بیشتر است (ندوشن و توسلی، ۱۳۹۰).

یکی از ویژگی‌های مهم زندگی انسان در قرن اخیر، گذشتن از سدهای نیرومند محیطی است که انجام آن در گذشته کمتر امکان‌پذیر بوده است و دلیل اصلی آن‌هم تحولات فراوانی است که در عرصه روابط قومی و قبیله‌ای و در قالب تحرک از نوع، سبک و ساختار زندگی مکانیکی روستایی به ساختار شهری و ارگانیکی است. اگر گزینش همسر در گذشته، یک موضوع فرا فردی بوده که کمتر فرد در اکتساب آن نقشی داشت، امروز به یک انتخاب فردی و خودگزینشی تبدیل شده است.

همسان بودن دو انسان از لحاظ عقیده، آرمان، ایدئولوژی و خواسته‌های مادی و غیرمادی نه تنها سبب می‌شود تا آن‌ها در دایره ارتباطی، درک یکسانی داشته باشند حتی سبب تداوم و پایداری ازدواج آن‌ها می‌گردد. همسانی‌ها ممکن است اشکال متفاوتی داشته باشند دسته‌ای از آن‌ها به اندیشه‌ها و آرمان‌های درونی یک فرد راجع است، مانند همسانی عقیدتی، جسمانی، سنی، تحصیلی و اخلاقی. دسته دیگر ممکن است در سطح روابط اقتصادی و خانوادگی باشد و دسته دیگر حتی به لحاظ اجتماعی، وجه تمایز اجتماعی یا پایگاه اجتماعی را به چالش می‌کشد (خلیلی، ۱۳۹۰). در نظریه همسان همسری ازدواج را در بین کسانی که از تمام وجوه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، با یکدیگر همسان هستند توصیه می‌کنند، یعنی همسانی کامل بین تحصیلات، وضع اقتصادی، اخلاقی و دیگر جنبه زندگی که برای زندگی لازم است، وگرنه آن ازدواج موفقیتی نخواهد داشت.

باور من می‌گوید: انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی همگون با او داشته باشد. افراد در تمام سنین در میدانی فراختر از آنکه تصادف بتواند بر آن کارگر باشد با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشند. به گمان لاک و برگس بخت هر فرد بیشتر در راستای ازدواجی همسان‌گزینه عمل می‌کند تا ناهمسان‌گزین. شنگ و یامورا بر این باورند که هر قدر پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر محکم‌تر باشد، خطر جدایی به مراتب در میان ایشان کمتر است. به‌طور کلی هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد زناشویی آنان استوارتر و در مجموع می‌توان گفت که تقریباً پایدارتر است (کفاشی و سرآبادانی، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر، از نظر پیروان نظریه ناهمسان همسری که شباهت زیادی به نظریه «نیازهای مکمل» دارد. از جمله وینچ^۱ و کتسان^۲ نه شباهت و همسانی بلکه تفاوت و ناهمسانی و به ویژه صفات تکمیل‌کننده است که افراد را به وصلت با یکدیگر وا

1. Winch
2. Ktsanes

می‌دارد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۲). نظریه ناهمسانی در اخلاق و منش افراد یعنی زن و شوهر در اخلاق بایستی مکمل یکدیگر باشند مردی که عصبانی مزاج و عجول است باید با زنی خونسرد و صبور ازدواج نماید، والا مرد عجول و عصبانی با یک زن عجول و عصبانی منجر به تنش‌های فراوانی در خانواده می‌شود و در نهایت به طلاق منجر می‌شود.

تغییر کارکردهای خانواده و طلاق

پارسنز به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران اصلی این نظریه، دو کارکرد اساسی برای خانواده (هسته‌ای) زمان خود قائل شده است: ۱. کارکرد اجتماعی کردن و ۲. کارکرد شکوفایی و ثبات شخصیت بزرگسالان. وی اشاره می‌کند که این دو کارکرد تنها در روابط صمیمی و محبت‌آمیز خانواده امکان‌پذیر است. کارکرد تثبیت شخصیت بزرگسالان که پارسنز با بهره‌گیری از اصول روانکاوی، آن را یکی از دو کارکرد مهم هر خانواده و بسان سپری در مواجهه با فشارهای روانی روزمره دانسته است، فقط در شرایط عاطفی ایده‌آل میان زن و مرد به وجود آمده و باعث قوام و همبستگی زندگی زوجین می‌شود.

بر اساس این دیدگاه، نهادها و شیوه‌های کنش بر اساس کارکردی که در کل نظام اجتماعی دارند، مورد تحلیل قرار می‌گیرند. دلیل وجود و بقای آن‌ها برحسب فایده‌ای که برای کل نظام با هماهنگی دیگر اجزا دارند، تبیین می‌شود. اگر عوامل تغییرات ارزشی و پیدایش نهادها یا شیوه‌های جایگزین را باعث تغییر کارکردهای یک‌نهاد در نظر بگیریم، می‌توان به تبیینی کارکردی دست‌یافت که ثبات و استحکام زندگی زوجین درگرو تداوم کارکردهای فردی و اجتماعی آن و یا تغییر کارکردهای آن در شکل جایگزین شدن کارکردهای جدید به‌جای کارکردهای پیشین است. در صورتی‌که کارکردی از خانواده حذف‌شده یا تغییری کارکردی جایگزین آن نشود، باعث وجود و بروز بی‌ثباتی در خانواده و روابط زوجین و کاهش زندگی آن‌ها می‌شود. زمینه‌سازهای طلاق را در فقدان هر یک از چهار کارکرد اصلی خانواده می‌توان تبیین کرد:

۱) وقتی که کارکرد سازگاری و انطباق خانواده با محیط اجتماعی با چالش مواجه شود؛ این مورد را می‌توان هم در زمینه مادی و هم در زمینه هنجاری نظام خانواده بررسی کرد. وقتی خانواده نتواند از لحاظ معیشتی خود را حفظ کند و یا این‌که در رابطه با دیگر نهادهای جامعه تنش دار شود (نظیر فشار نهادهای دیگر جامعه برای حذف کارکردهای آن). نظام خانواده سست شده و آمادگی برای طلاق افزایش می‌یابد. فرسودگی شغلی زوجین در شرایط سخت اقتصادی بر سایر عملکردهای خانواده اثر می‌گذارد و حتی ابعاد عاطفی و جنسی خانواده را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. به معنای دقیق‌تر، سختی معیشت می‌تواند افراد خانواده را مجبور به فعالیت بیشتر بیرون از خانه کند و این امر و خستگی‌های ناشی از آن می‌تواند روابط عاطفی خانواده را با چالش مواجه کند.

۲) زمانی که کارکرد دستیابی به هدف با مشکل مواجه شود و خانواده نتواند به اهداف مطلوب دست یابد؛ این امر زمانی محقق می‌شود که خانواده نتواند توانایی‌ها و نیروهایش را در رسیدن به اهداف تعیین‌شده برای آن بسیج کند. مواردی مانند نبود سلامت جسمی و روانی زوجین می‌تواند خانواده را از رسیدن به اهداف موردنظر دور کند.

۳) وقتی کارکرد یگانگی و انسجام خانواده دچار اختلال شود، این مسئله هنگامی ظاهر می‌شود که قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرای خود را از دست می‌دهند، نمونه آن را می‌توان در موردی جست‌وجوی نمود که نقش‌های جنسیتی در خانواده و نظام هنجاری تقسیم نقش‌ها مختل می‌شود. در این صورت بایستی منتظر اختلاف در خانواده و افزایش احتمال طلاق عاطفی و سپس طلاق واقعی بود. سرمایه اجتماعی خانواده و نظم اجتماعی آن در این کارکرد قرار می‌گیرد.

۴) هنگامی که نظام الگوهای فرهنگی خانواده آسیب می‌بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای نظام خانواده بازمی‌ماند، در این صورت زن و مرد انگیزه‌هایی برای بقا و استحکام نظام خانواده نمی‌شناسند و با به وجود آمدن کمترین

اختلافی آماده برای گسستن این پیوند می‌گردند. دینداری خانواده می‌تواند از عوامل کاهش‌دهنده طلاق در خانواده باشد، به این معنا که دین‌داری می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای زوجین در حفظ و بقای خانواده و الگوهای فرهنگی مناسب آن فراهم سازد. به نظر وی، فرایند توسعه صنعتی به بروز انشقاق در خانواده منجر شده و علت این تحول، نخست جدا ساختن خانواده‌ها از شبکه خویشاوندی و سپس تقلیل گروه خویشاوندی به خانواده تک‌هسته‌ای کوچک بوده است. در نتیجه، خانواده تمام عملکردهای تولیدی، سیاسی و دینی خود را از دست داده و تنها به واحد سکونت و مصرف مبدل شده است. به نظر پارسنز ایفای نقش‌های مردانه و زنانه به دوام خرده نظام خانواده در چارچوب نظام اجتماعی کمک می‌کند. پدر نقش ابزاری را بر عهده دارد، زیرا حلقه ارتباطی را درون خانواده ایفا می‌کند (کفاشی و سرآبادانی، ۱۳۹۳). بر همین اساس وی معتقد است که انگاره خانواده معاصر با ویژگی‌های جامعه امروزی صنعتی سازگار است. در این دیدگاه، خانواده به‌عنوان نظامی در نظر گرفته می‌شود که ورودی، خروجی و فرآیندهایی دارد. پیش‌فرض‌های اصلی این نظریه به نظر اپستین و بیشاپ شامل موارد زیر است: اعضای خانواده بدون ملاحظه اعضای دیگر مفهوم نیست، کارکرد خانواده با ملاحظه درک همه اعضای خانواده ممکن است. ساختار و سازمان خانواده در تعیین رفتار اعضاء تعیین‌کننده است و با تمرکز بر کلیت خانواده می‌توان هم نظم و هم تغییر را فهمید.

پارسنز معتقد است برای آن‌که خانواده نقش مؤثری داشته باشد، باید نوعی تقسیم‌کار اجتماعی در آن برقرار باشد. بدین گونه که مردان باید نیروی محرک خانواده باشند و زنان نیز باید به وظیفه‌شان که امور داخلی خانواده و مراقبت از کودکان و بزرگسالان است، بپردازند، پس باید سنگ صبور؛ یعنی مهربان، پروراننده و سرشار از عاطفه باشند. این نظریه‌پرداز اعتقاد دارد چنانچه کارکردها و جهت‌گیری‌های زنان و مردان در خانواده بسیار شبیه هم گردند، رقابت میان آن‌ها زندگی خانوادگی را مختل خواهد کرد و نقش تعیین‌کننده خانواده رنگ خواهد باخت. بنابراین، فرضاً اگر جنس

زن به هر دلیلی اشتغال در محیط خارج از خانه را به وظیفه اصلی خود که همانا ایجاد نقش تربیتی و عاطفی باشد، ترجیح دهد؛ نتیجه‌ای جز نارسایی در ایفای نقش و به دنبال آن گسست روابط خانوادگی نخواهد داشت. در این شرایط پدید آمدن اختلاف بین زوجین و حتی جدایی آن‌ها از هم به‌عنوان ستون‌های اصلی ثبات خانواده چندان دور از ذهن نخواهد بود.

همچنین این نظریه‌پرداز معتقد است تداخل در نقش‌ها باعث اغتشاش در امور خانوادگی می‌شود؛ یعنی این‌که مردان نیز باید همان‌گونه که تأمین امور مالی خانواده را بر عهده‌دارند، باید نیروی محرکه خانواده باشند و از نقش مهم خویش در خانواده غافل نگردند و باید در جهت‌گیری خانواده نقشی ویژه داشته باشند؛ چراکه در غیر این صورت ثبات نهاد خانواده را دچار اختلال خواهند نمود. از نظر پارسنز، در خانواده همواره باید وظایف تفکیک‌شده افراد، از سوی آن‌ها انجام شود (میرسادو و هاشمی، ۱۳۹۴).

رابطه شبکه روابط اجتماعی زوجین با گرایش به طلاق

نظریه شبکه بر این دیدگاه است که *نزدیکان و اقوام زوجین* به‌عنوان شبکه‌های مرتبط و تأثیرگذاری هستند که می‌توانند رابطه زن و شوهر را تحت تأثیر قرار دهند. هر خانواده قسمتی از یک شبکه بزرگ خویشاوندی محسوب می‌شود که در تعامل با سایر افراد خانواده قرار دارد، اما وقتی که این تعامل تغییر ماهیت دهد و جایگزین آن مداخله نابجا شود تنشها و ناسازگاری‌ها پا می‌گیرد. زمانی که زن و شوهر علاوه بر کانون زندگی خود، عضو شبکه‌ای از خانواده‌هایی با درجه و میزان در هم تنیدگی بالایی از روابط باشند، به‌نوعی در آن حل و هضم می‌گردند. در این شرایط تسلط شبکه نهادینه‌شده، ناخواسته رفتار و نحوه برخورد با دیگران و خصوصاً همسر را مطابق با الگوهای شبکه تنظیم می‌کند. در این حالت، بروز رفتارهای عقلایی و همسرپسند را به شدت از دست خواهد داد. پیامد چنین وضعیتی به وجود آمدن وضعیت و فضای

رنج‌آور و مجادله‌آمیز است، چراکه این اعمال‌نظر و دخالت، فضای روابط بین زن و شوهر را تیره می‌کند که این مسئله می‌تواند زمینه بروز اختلافات در خانواده را به وجود آورد و در نتیجه انحلال یک رابطه خانوادگی را قریب‌الوقوع سازد. تحلیل‌های شبکه‌ای، به مطالعه قواعدی درباره اعتقادات افراد و این‌که چه باید انجام دهند، می‌پردازند. این نظریه، هر نظریه زیرساختی را رد می‌کند که فرایندهای اجتماعی را ناشی از جمعی از کنشگران فردی، گرایش‌های شخصی و هنجارهای درونی شده می‌داند (خلیلی، ۱۳۹۰).

زوال صمیمیت و شکنندگی رابطه

اریکسون یکی از روانشناسان رشد‌نگر است. وی، دوره ۲۰ تا ۴۰ سالگی را دوره صمیمیت در برابر انزوا می‌نامد. تعارض روانی مهم اوایل بزرگسالی، صمیمیت در برابر انزوا است. این تعارض در افکار و احساسات جوانان نسبت به متعهد ساختن دائمی خود به یک همسر صمیمی منعکس می‌شود. برقرار کردن رابطه‌ای متقابل، صمیمانه و خوشنود کننده یکی از چالش برانگیزترین مسائل آغاز جوانی و اوایل دوره بزرگسالی است. صمیمیت ایجاب می‌کند که زوجین هویت خویش را مطابق با ارزش‌ها و تمایلات دو نفر توصیف کنند. صمیمیت مسئله‌ای مهم اوایل بزرگسالی است و رضایت زناشویی یکی از مقوله‌هایی است که با میزان طلاق رابطه مستقیم دارد؛ زوجینی که صمیمیت را در رابطه متقابل خود احساس و درک می‌کنند، از زندگی زناشویی رضایت بیشتری دارند و کمتر احتمال دارد که از همسران خود جدا شوند و عکس این قضیه نیز ثابت شده است.

مبانی تجربی

طی دو دهه گذشته فراتحلیل‌های متعددی در خصوص موضوع طلاق در کشور انجام شده است، که البته هدف این پژوهش فراتحلیل با فراتحلیل‌های گذشته متفاوت است.

کلانتری، روشن فکر و جواهری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران نشان می‌دهند که در سطح پروبلماتیک «چرایی طلاق» حدود ۵۵ درصد سؤالات، جنبه اجتماعی - جمعیت شناختی داشتند، ۲۴ درصد جنبه روانشناختی و تنها ۲۱ درصد به عوامل اقتصادی پرداخته‌اند. سن ازدواج و اختلاف سنی زوجین، عوامل اقتصادی، وضعیت تحصیلات و تعداد فرزندان، بیشترین متغیرهای مستقلی بوده‌اند که به‌عنوان عوامل مؤثر بر طلاق مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در مطالعه دیگری با عنوان آثار و پیامدهای طلاق: مرور نظام مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۹۰ - ۱۳۷۶) که توسط کلانتری، روشن فکر و جواهری (۱۳۹۰) انجام شده است نشان می‌دهند که به‌طور کلی طلاق می‌تواند باعث صدمه به سرمایه انسانی و اقتصادی کشور شود و در یک تحلیل جنسیتی مانع نقش آفرینی زنان در فرآیند توسعه و در نتیجه به حاشیه راندن و استعمار زنان شود، بعلاوه این تحقیق نشان می‌دهد که محققان زن بیش از محققان مرد به مسائل روانشناختی و اقتصادی پیامدهای طلاق توجه داشته و کمتر به مسائلی نظیر آسیب‌های اجتماعی و سوء مصرف مواد مخدر توجه داشته‌اند.

مطالعه‌ای که توسط شهلا کاظمی پور و خوشنویس (۱۳۹۱) با عنوان فراتحلیل سطح، روند و تعیین‌کننده‌های طلاق در ایران و کشورهای منتخب منطقه، طی دو دهه اخیر در مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه انجام شده است، نشان می‌دهد که در غالب موارد، مطالعات سبب شناسی طلاق با تکیه بر پرسش‌های مقطعی درباره خصوصیات فردی و شرایط زندگی زوج انجام شده است و از آنجا که داده‌ها بلندمدت نیست مشخص نمی‌شود که چه تغییراتی در زمینه مسائل مختلف رخ داده که زمینه‌ساز طلاق شده است. احتمالاً در مطالعات بلندمدت، شمار جدیدی از متغیرهای مؤثر بر جدایی و گسست رابطه زناشویی قابل شناسایی خواهند بود، نیز این مطالعه اشاره دارد که در بسیاری از مطالعات طلاق، اطلاعات از زوج‌هایی گردآوری شده است که یا به دلیل بروز مشکلات خانوادگی در معرض طلاق بوده‌اند و یا طلاق گرفته‌اند.

مناسب است تا پیمایش‌هایی انجام شود و در آن هم از ازدواج‌های متعادل و هم از ازدواج‌های مشکل‌دار درباره موضوعات مرتبط با زندگی زناشویی و احتمال طلاق نظرسنجی شود و از طریق تطبیق پاسخ‌ها، اطلاعات کافی درباره سازوکارهایی که زوج را به سوی طلاق رهنمون می‌شوند، به دست آید. مطالعه این موضوع که چگونه کیفیت و ثبات ازدواج‌ها در طول زمان تغییر می‌کند و چگونه می‌توان از این تغییرات مانع شد، نیز به لحاظ اجتماعی، کم‌اهمیت‌تر از مطالعه دلایل طلاق نیست.

اسماعیل زاده، سلطانی فر و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان فراتحلیل تحقیقات انجام‌شده در زمینه طلاق در طول سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۸۸ به جمع‌بندی دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف در مورد طلاق پرداخته‌اند، آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از نظریه‌های همسان همسری، مبادله، شبکه و قشربندی اجتماعی؛ ویژگی تقریباً مشترک تمام مطالعات انجام‌شده در زمینه طلاق در ایران بوده است. ویژگی منحصربفرد مطالعه یادشده، شناسایی مدل‌های نظری استفاده شده در مطالعات مربوط به طلاق و ارائه یک "تئوری ترکیبی" است.

عرب، ابراهیم زاده پزشکی و مروتی شریف آبادی در مقاله‌ای با عنوان طراحی مدل فرا ترکیب عوامل مؤثر بر طلاق با مرور نظام‌مند مطالعه‌های پیشین با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تکنیک متاتریب به بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در منابع موجود طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۶۵ پرداخته‌اند. آن‌ها با بررسی ۶۱ مقاله از ۸۴۷۲ مقاله اولیه پژوهشگران ۱۵ بُعد و ۶۴ مؤلفه را به عنوان عوامل مؤثر بر طلاق در پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی در سال‌های ۱۳۶۵ تا اوایل سال ۱۳۹۲ شناسایی کرده‌اند که ۱۵ بعد مورد نظر شامل عوامل جنسی، عوامل اقتصادی، عوامل شغلی، عوامل ادراکی، اختلالات رفتاری، اعتیادی، ازدواج مجدد، عوامل جمعیتی، عدم تجانس، دخالت اطرافیان، شیوه ازدواج و عوامل شخصیتی، بی‌بند و باری تغییر ماهیت نقش زن و برآورده نشدن انتظارات معرفی شده‌اند. بقایی و حمیدی (۱۳۹۴) در مطالعه خود نشان دادند که به ترتیب عدم تفاهم و سازش، تفاوت انتظارات، عدم رضایت از زندگی و تضاد ارزشی مهمترین عوامل مؤثر بر طلاق هستند.

هاشم زهی (۱۳۹۰) در بررسی آسیب‌های اجتماعی درکلانشهر تهران، فراتحلیل پژوهش‌های طلاق و حاشیه نشینی نشان داد که در بین عوامل مختلف به ترتیب مشکلات اقتصادی (بیکاری، ندادن نفقه، کم درآمدی و...)، اعتیاد، تفاوت انتظارات، سوء ظن و بدبینی، نارضایتی جنسی و دخالت اطرافیان از جمله مهم‌ترین عوامل طلاق در کشور هستند.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر فراتحلیل است، در روش فراتحلیل پژوهشگر با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های توده‌ای از پژوهش‌ها در قالب مفاهیم کمی، آن‌ها را آماده استفاده از روش‌های قدرتمند آماری می‌کند (دلاور، ۱۳۸۰: ۲۸۷)، فراتحلیل رویکردی است که برای ترکیب کمی اطلاعات حاصل از چند پژوهش و در نتیجه در پی کشف روابط تازه‌ای که از مطالعات جداگانه و انفرادی قابل حصول نیست (شکرکن، ۱۳۷۷: ۱۲۱).

فراتحلیل به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که در مقایسه با یک روش مطالعه واحد به شناختی بیشتر از پدیده‌های موردنظر برسند. بنابراین فراتحلیل وسیله‌ای است برای ترکیب کمی اطلاعات حاصل از چند پژوهش و در نتیجه کشف روابط تازه‌ای که از مطالعات جداگانه و انفرادی قابل حصول نیست. به نظر «چیو» و «برینو» فراتحلیل بر این اصل متکی است که نتایج پژوهشی که بر اساس متغیرهای مستقل هستند، می‌توانند ترکیب شوند تا یک مرور کلی موضوع مورد مطالعه و یک چشم‌انداز وسیع‌تر درباره اثرات عناصر طرح مورد آزمایش را ارائه دهند. در یک تعریف دقیق و عملیاتی‌تر، فراتحلیل شیوه‌ای برای ترکیب هدفمند نتایج مطالعات متعدد برای رسیدن به یک برآورد بهتر درباره حقیقت است. نقاط قوت روش فراتحلیل به شرح زیر است:

۱. به تحقیقات موازی نظم و ترتیب می‌دهد.

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۱۷

۲. نسبت به بازنگری و مرورهایی که به شیوه‌ای سنتی انجام شده‌اند، یافته‌های متمایزتر و پیچیده‌تری ارائه می‌دهد.

۳. قادر به نشان دادن روابطی میان برخی از متغیرها است که از دید شیوه‌های دیگر بازنگری سنتی پوشیده می‌ماند.

۴. می‌تواند تعداد بسیار زیادی از تحقیقات را یکجا مدنظر قرار دهد (ویلسون، ۱۹۹۹).

ضریب اثر: یکی از ابزارهای کمی در فراتحلیل، برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از تحقیقات پیشین در خصوص اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، ضریب اثر است. در فراتحلیل مقدار ۲ (ضریب همبستگی) محاسبه شده به مثابه شاخصی برای اندازه‌گیری اندازه اثر است (قاضی طباطبائی و ودادهیر، ۱۳۸۹: ۱۱۶). ضریب اثر رقمی بین ۰ تا ۱ است و نحوه قضاوت در مورد آن به شکل زیر است:

اندازه اثر ^۱	مقدار ۲
اثر کم	کمتر از ۰/۱
اثر متوسط	بین ۰/۱ تا ۰/۳
اثر زیاد	۰/۵ و بالاتر

منبع: قاضی طباطبائی و ودادهیر، ۱۳۸۹: ۱۲۲

جامعه آماری

بر اساس جستجوی انجام‌شده در پایگاه اطلاعات علمی کشور^۲ طی دوره ۱۳۷۴ تا ۱۳۹۴ حدود ۱۲۵ مقاله و ۷۵ پایان‌نامه در حوزه طلاق مورد شناسایی قرار گرفت و از

1. Size of Effect
2. IRANDOC

بین آنها با توجه به ارزیابی‌های صورت گرفته مقالات و پایان نامه‌های معتبر مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفتند.

روایی و اعتبار

اعتبار و روایی تحقیقات فراتحلیل از طریق تقابل یافته‌های پژوهشی و روایی آنها از طریق آزمون سازگاری آنها با واقعیت به دست می‌آید و این هر دو مورد مرهون انباشت دانش و توسعه آن در فراتحلیل است^۱. در بررسی کیفیت مطالعات دو عامل روایی درونی (درستی روش پژوهش و نبود سوگیری) و روایی بیرونی (قابلیت تعمیم پذیری نتایج و درستی نتایج) در تقابل و مقایسه با سایر پژوهش‌ها اهمیت دارد. به‌طور خاص در مطالعات ترکیبی و فراتحلیل معمولاً دو سؤال اساسی در خصوص روایی^۲ مطرح می‌شود: الف) در هنگام اجرای یک فراتحلیل تا چه اندازه یک فراتحلیل‌گر مستقل و بدون ارزش داوری، موقعیت و پژوهش‌های واحد را به شکل مشابه و یا یک سویه‌ای تعیین کرده و یا ارزشیابی می‌کند؟ ب) در هنگام انجام یک پژوهش فراتحلیلی، مطالعات پژوهشی برای اهداف بازنگری و ترکیب، به چه میزان از جامعیت یا تمامیت کافی برخوردار است یعنی آثار گردآوری شده تا چه حد جامع و بسنده به نظر می‌رسند. جهت شناسایی منابع معتبر سه داور به ارزیابی منابع موجود پرداختند. ملاک‌های اعتبار سنجی داوران شامل شاخص‌هایی چون کامل بودن منبع از نظر ساختاری، تناسب موضوع، توجه داشتن به توصیه‌های سیاستی، معتبر بودن محل انجام تحقیق و یا محل چاپ مقاله بوده است. بعد از ارزیابی‌های نهایی ۶۰ مقاله و پایان‌نامه جهت استخراج اطلاعات انتخاب شدند. در این پژوهش جهت اعتبار سنجی یافته‌ها از اعتبار تجربی کمک گرفته شده است، اعتبار تجربی عبارت است از: مقایسه نتایج یک پژوهش با یک وسیله اندازه‌گیری با نتایج بدست آمده از سایر پژوهش‌ها و وسایل

1. <http://www.iranresearches.ir>

2. Reliability

اندازه‌گیری. در این پژوهش تلاش خواهد شد نتایج بدست آمده با سایر تحقیقات تقابل داده شود و میزان همکاری در نتایج بدست آمده ارزیابی گردد.

یافته‌ها

جدول شماره ۱ اندازه اثر اختلاف سنی زوجین را بر طلاق نشان می‌دهد، در این جدول نتیجه ۹ مطالعه در خصوص رابطه بین اختلاف سنی زوجین گزارش شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میزان اندازه اثر متغیر اختلاف سنی بر طلاق در سطح متوسط رو به بالا است، اما این رابطه از نظر آماری معنادار نیست. بسیاری از مطالعات انجام شده در جوامع غربی به رابطه معنا دار اختلاف سنی زوجین و احتمال طلاق تاکید داشته‌اند (براملت^۱ و موشر^۲، ۲۰۰۲ وایت^۳، برایان^۴ و لیلارد^۵، ۱۹۹۵ و برناردی^۶ و مارتینز پاستور^۷، ۲۰۱۱، ولکات و هاگز، ۲۰۰۶). اختلاف سنی زیاد یکی از مهمترین علل طلاق محسوب می‌شود، این سؤال مطرح می‌شود که مناسب‌ترین اختلاف سنی برای کاهش احتمال طلاق چیست؟ اگر چه تفاوت سنی زوجین به دو عامل تفاوت‌های رشدی و تکاملی مردان و زنان از یک سو و از سوی دیگر به هنجارها و معیارهای فرهنگی هر جامعه بستگی دارد، اما نظرسنجی‌های به عمل آمده از افراد در آستانه ازدواج، حاکی از آن است که آن‌ها بر این باور هستند که مناسب‌ترین تفاوت سنی زن و مرد در هنگام ازدواج ۴-۶ سال است (حیدری و توکل، ۱۳۷۳، کامکار و تبارطوری، ۱۳۷۸).

-
1. Matthew D. Bramlett
 2. William D. Mosher
 3. Waite
 4. Brien
 5. Lillard
 6. Fabrizio Bernardi
 7. Juan-Ignacio Martínez-Pastor

جدول ۱- اندازه اثر اختلاف سنی زوجین (متغیر مستقل) بر گرایش به طلاق (متغیر وابسته)

ردیف	نوع آزمون	مقدار آماره	تبدیل یافته به (۳)	سطح معناداری	پژوهشگر و سال انجام تحقیق
۱	پیرسون	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۰۰۱	محمودی (۱۳۹۰)
۲	همبستگی	۰/۶۷	۰/۶۷	۰/۰۴	جلیلیان (۱۳۷۸)
۳	پیرسون	۰/۴۸	۰/۴۸	۰/۰۴	یزدانی (۱۳۹۰)
۴	خی دو	۷/۵۶	۰/۱۴۶	۰/۰۴۷	مهدی خانی (۱۳۸۳)
۵	F	۱۸۳۱	۰/۷۶	۰/۱۷۸	حسینی (۱۳۹۳)
۶	لون	۱۲/۲۱	۰/۹۸	۰/۱۲	قادری نیا (۱۳۹۲)
۷	تی	۲/۳	۰/۸۴	۰/۰۵۹	احدی (۱۳۸۸)
۸	آنالیز واریانس	۳/۷۱	۰/۹۱	۰/۰۰۲	رحمت پور (۱۳۹۰)
۹	پیرسون	۰/۲۲۱	۰/۲۲۱	۰۰۰	نظری (۱۳۹۰)
اندازه اثر (S.E)		۰/۵۵		۰/۰۱	

در جدول شماره ۲ اندازه اثر متغیر تحصیلات بر طلاق گزارش شده است، همانطور که ملاحظه می‌شود اندازه اثر سطح تحصیلات و گرایش به طلاق تقریباً پایین و البته از نظر آماری معنادار است. تحصیلات یکی از شاخص‌های منزلت اجتماعی است و به دلیل تغییر مثبت در نگرش و رفتار فرد، به او جایگاه اجتماعی مناسب اعطا می‌کند و فرد را در طبقات منزلتی بالاتری قرار می‌دهد. از سوی دیگر تحصیلات موجب تغییر در نگرش‌ها و باورهای افراد می‌شود. بر این اساس افراد دارای تحصیلات بالاتر، منزلت بالاتری برای خود قائل می‌شوند و اگر این اختلاف تحصیلی بسیار زیاد باشد، مانع ارتباط صحیح شده و زمینه اختلاف بین زن و شوهر را ایجاد می‌کند.

افزایش تحصیلات زنان می‌تواند دو پیامد مهم برای آنان در پی داشته باشد، از یک طرف افزایش تحصیلات زنان توزیع و تسلط بر منابع قدرت در خانواده همچون

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۲۱

درآمد، شغل، منزلت و... را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از طرف دیگر نگرش‌های آنان نسبت به نقش خود و جایگاه خود در جامعه و خانواده را تغییر داده، موجب سر برآوردن انتظارات جدید می‌گردد (مهدی زاده، احمدی ۱۳۸۶، مهدوی ۱۳۸۳، چابکی ۱۳۸۲).

جدول ۲- اندازه اثر متغیر سطح تحصیلات (متغیر مستقل) بر گرایش به طلاق (وابسته)

ردیف	ضریب همبستگی	سطح معناداری	محقق
۱	۰/۳۷۵	۰/۰۰۱	طوسی (۱۳۷۷)
۲	۰/۶۵۴	۰/۰۵	جلیلیان (۱۳۷۸)
۳	۰/۸۷	۰/۰۰۰۹	رستگاری (۱۳۹۰)
۴	-۰/۳۰۲	۰۰۰	نظری (۱۳۹۰)
۵	۰/۳۳	۰۰۰	خدایرامادی (۱۳۹۰)
۶	۰/۱۳	۰/۰۱	مختاری و دیگران (۱۳۹۲)
۷	۰/۱۵۳	۰/۰۷۴	مددی (۱۳۸۰)
۸	۰/۲	۰۰۰	الماسی (۱۳۹۲)
۹	-۰/۹	۰/۰۶	محمودی (۱۳۹۰)
اندازه اثر (S.E)	۰/۴۳		۰/۰۳

در جدول ۳ میزان اندازه اثر متغیر تعداد فرزندان بر گرایش به طلاق آمده است، همچنانکه ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد، همبستگی بین تعداد فرزندان و طلاق بالاست و در سطح ۹۳ درصد معنادار شده است.

جدول ۳- اندازه اثر تعداد فرزندان (متغیر مستقل) بر گرایش به طلاق (متغیر وابسته)

ردیف	نوع آزمون	مقدار آماره	۲	سطح معناداری	محقق
۱	پیرسون	-۰/۱۸۳	-۰/۱۸۳	۰/۰۰۱	رستگاری (۱۳۹۰)
۲	"	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۰۱	حسینی (۱۳۹۳)
۳	"	-۰/۵۲۱	-۰/۵۲۱	۰۰۰	نظری (۱۳۹۰)
۴	t	۲/۲۰۴	۰/۹۱	۰/۰۹۱	احدی (۱۳۸۸)
۵	"	۱/۵۹	۰/۸۴	۰/۰۰۱	طوسی (۱۳۷۷)
۶	"	۴۱/۴۹	۰/۸۶	۰۰۰	فانحی (۱۳۸۳)
۷	خی دو	۳/۴۲	۰/۲	۰/۴۹	مهدی خانی (۱۳۸۳)
۸	"	۱۱۳/۰۳	۰/۶۷	۰۰۰	قادری نیا (۱۳۹۲)
		اندازه اثر (S.E)	۰/۵۷	۰/۰۷۳	

کو^۱، سوچیندران^۲ و گریفیت^۳ (۱۹۸۳) احتمال طلاق و جدایی و ازدواج مجدد زنان با تعداد فرزندان بیشتر و فرزندان بزرگتر، کمتر از زنان با فرزندان کمتر و بدون بچه است. آن‌ها نشان دادند که احتمال طلاق مادران با دو بچه و بیشتر به‌طور معناداری پایین‌تر از زنان دارای یک بچه و بی بچه است.

در جدول ۴ اندازه اثر درآمد بر طلاق گزارش شده است، همچنان که ملاحظه می‌شود، این رابطه در سطح ۹۹ درصد معنادار است و میزان اثر بالاست. مشکلات درآمدی در جامعه بر اساس تبیین‌های مختلف کلان جامعه شناسان، زمینه‌های بروز انواع آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی را در پی خواهد داشت. نوسانات مالی می‌تواند

-
1. Koo
 2. Suchindran
 3. Griffith

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۲۳

زندگی خانوادگی را نابود کند. تأثیر فشارهای مالی بسیار گسترده و متنوع است و می‌تواند سبب بروز تنش عصبی، کاهش احساس نزدیکی میان زوجها و بدتر از همه بازی مقصریابی شود. در برخی موارد، بحران‌های مالی بغرنجی که راه حل ساده‌ای ندارند، گرچه موضوع دردناکی است اما واقعیت این است که اغلب به طلاق منجر می‌شوند. زوجها احساسات و تصویری را که قبل از وقوع بحران مالی نسبت به یکدیگر داشتند از دست می‌دهند، آن‌ها با ترس و نگرانی پر می‌شوند، همدیگر را متهم می‌کنند و مشکلات مالی را به مشکلات عاطفی بدل می‌کنند و با حملات عصبی و افسردگی دست و پنجه نرم می‌کنند و یک روز ناگهان همدیگر را در حالی می‌بینند که در فکر طلاق هستند (عسکری و بادیا، ۱۳۹۳).

جدول ۴- اندازه اثر سطح درآمد (متغیر مستقل) بر گرایش به طلاق (متغیر وابسته)

ردیف	نوع آزمون	مقدار آماره	ضریب همبستگی	سطح معناداری	محقق
۱	پیرسون	۰/۴۸۸	۰/۴۸۸	۰۰۰	نظری (۱۳۹۰)
۲	"	-۰/۰۶۹	-۰/۰۶۹	۰/۰۲۳	رستگاری (۱۳۹۰)
۳	"	-۰/۱۲۶	-۰/۱۲۶	۰/۰۱	نظری (۱۳۹۰)
۴	"	۰/۷۸۱	۰/۷۸۱	۰/۰۶۴	کفاشی، سرآبادانی (۱۳۹۳)
۵	"	۰/۶۲۲	۰/۶۲۲	۰۰۰	باقری، ساروخانی (۱۳۹۳)
۶	اسپیرمن	۰/۶	۰/۶	۰/۲۶	مددی (۱۳۸۰)
۷	خی دو	۳۲/۴	۰/۳۵	۰۰۰	ساروخانی، قاسمی (۱۳۸۹)
۸	F	۲/۵۰۶	۰/۷۵	۰/۰۶۷	احمدی (۱۳۸۸)
اندازه اثر (S.E)			۰/۵۳	۰۰۰	

در جدول ۵ اندازه اثر اعتیاد بر طلاق گزارش شده است همان طور که ملاحظه می شود این اثر بالاست و در سطح ۹۵ درصد معنادار است. اعتیاد مردان از چند مسیر بر احتمال طلاق و جدایی اثر مستقیم دارد؛ اول از طریق تضعیف وظایف و مسئولیت های اقتصادی مرد در خانواده، دوم ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، عاطفی و جنسی زن و شوهر و سوم استهلاک سرمایه اجتماعی خانواده و تضعیف جایگاه اجتماعی خانواده در بین خویشاوندان و اطرافیان. در نظام خانواده ایرانی، نقش اقتصادی پدر نقشی برجسته و پراهمیت است. پدر همواره مظهر فعالیت و نان آوری خانواده محسوب می شود. در مقابل، پدر نیز انتظاراتی را از اعضای خانواده خود داشته و بر امور منزل و رفتار و کنش های فرزندان نظارت دارد. اما در خانواده های پدر معتاد، اختلال در نقش نان آوری پدر و برهم خوردن انتظارات متقابل در زمینه حقوق و وظایف اعضای خانواده مشاهده می شود، به طوری که اقتدار، شأن و منزلت پدر را تحت تأثیر قرار می دهد.

جدول ۵- اندازه اثر اعتیاد بر گرایش به طلاق

ردیف	نوع آزمون	مقدار آماره	r	سطح معناداری	محقق
۱	t	۹/۱۵	۰/۹۹	۰/۰۵	خلیلی (۱۳۷۸)
۲	t	۲/۱۷	۰/۹	۰/۰۴	شعبانی (۱۳۹۲)
۳	“	۹/۵	۰/۲	۰۰۰	عیسی زاده (۱۳۹۱)
۴	خی دو	۱۰/۶	۰/۲	۰/۰۰۵	تقی پور (۱۳۸۳)
۵	پیرسون	۰/۵	۰/۵	۰۰۰	توسلی و غیائی ندوشن (۱۳۹۰)
اندازه اثر (S.E)			۰/۵۸	۰/۰۲۳	

در جدول شماره ۶ اندازه اثر شکل توزیع قدرت در خانواده بر طلاق گزارش شده است همان طور که ملاحظه می شود در بیشتر تحقیقات انجام شده اثر ساختار قدرت در خانواده بر طلاق بالا و از نظر آماری معنادار بوده است. اندازه اثر ساختار قدرت در خانواده بر طلاق بسیار بالا است. نظریه شبکه بر این دیدگاه است که **نزدیکان و اقوام**

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۲۵

زوجین به‌عنوان شبکه‌های مرتبط و تأثیرگذاری هستند که می‌توانند رابطه زن و شوهر را تحت تأثیر قرار دهند. هر خانواده قسمتی از یک شبکه بزرگ خویشاوندی محسوب می‌شود که در تعامل با سایر افراد خانواده قرار دارد، ما این تعامل تغییر ماهیت داده، جایگزین آن مداخله نابجا می‌گردد. زمانی که زن و شوهر علاوه بر کانون زندگی خود، عضو شبکه‌ای از خانواده‌هایی با درجه و میزان در هم تنیدگی بالایی از روابط باشند، به‌نوعی در آن حل و هضم می‌گردند. در این شرایط تسلط شبکه نهادینه‌شده، ناخواسته رفتار و نحوه برخورد با دیگران و خصوصاً همسر را مطابق با الگوهای شبکه تنظیم می‌کند. در این حالت، بروز رفتارهای عقلایی و همسرپسند را به‌شدت از دست خواهد داد. پیامد چنین وضعیتی به وجود آمدن وضعیت و فضای رنج‌آور و مجادله‌آمیز است؛ چراکه این اعمال‌نظر و دخالت، فضای روابط بین زن و شوهر را تیره کرده که این مسئله می‌تواند زمینه بروز اختلافات در خانواده را به وجود آورد و در نتیجه انحلال نهاد خانواده را قریب‌الوقوع سازد (خلیلی، ۱۳۹۰).

جدول ۶- اندازه اثر ساختار قدرت در خانواده (متغیر مستقل) بر گرایش به طلاق

ردیف	نوع آزمون	مقدار آماره	۲	سطح معناداری	محقق
۱	تحلیل واریانس	۳۵/۱۴۵	۰/۹۸	۰/۰۰۱	بارانی (۱۳۹۲)
۲	"	۶/۱۰۶	۰/۸۸	۰/۰۰۱	بارانی (۱۳۹۲)
۳	"	۵۰/۱۸۸	۰/۹۸	۰/۰۰۱	بارانی (۱۳۹۲)
۴	"	۷۳/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۰۱	باقری، سازوخانی (۱۳۹۲)
۵	"	۷۴/۴۳۱	۰/۹۹	۰/۰۰۱	کلانتری (۱۳۹۰)
۶	اسپیرمن	-۰/۱۶۸	-۰/۱۶۸	۰/۰۰۱	کفاشی (۱۳۹۳)
۷	پیرسون	-۰/۶۳۱	-۰/۶۳۱	۰۰۰	اسحاقی (۱۳۹۱)
اندازه اثر (S.E)			۰/۸۰	۰/۰۰۱	

در جدول شماره ۷ اندازه اثر دخالت دیگران بر طلاق در تحقیقات پیشین گزارش شده است، ضریب اثر دخالت دیگران بر طلاق حدود ۰/۷۱۳ برآورد شده است که نشان دهنده اثر بسیار بالای این متغیر بر وقوع طلاق است. این بدان معنا است که هر چه قدر دخالت اطرافیان در زندگی زوجین بالاتر باشد، احتمال وقوع طلاق در بین آنها بیشتر است.

جدول ۷- اندازه اثر خالص دخالت نابجای دیگران (خانواده طرفین) (متغیر مستقل) بر گرایش به طلاق (متغیر وابسته)

ردیف	نوع آزمون	مقدار آماره	تبدیل به ۲	سطح معناداری	محقق
۱	خی دو	۲/۵۶	۰/۹۹	۰/۰۰	ریاحی (۱۳۸۴)
۲	"	۳۸/۱۴	۰/۹۹	۰۰۰	خانی (۱۳۹۰)
۳	T	۳/۴۸	۰/۹۵	۰/۰۰۱	قاسمی (۱۳۸۹)
۴	T	۳/۵	۰/۹۶	۰/۰۰۳	صداقت (۱۳۹۲)
۵	پیرسون	۰/۳۶۸	۰/۳۶۸	۰۰۰	کفاشی (۱۳۹۳)
۶	"	۰/۳۵۷	۰/۳۵۷	۰۰۰	الماسی (۱۳۹۲)
۷	"	۰/۴۱	۰/۴۱	۰/۰۵	شهوولی (۱۳۹۰)
۸	"	۰/۶۸۲	۰/۶۸۲	۰۰۰	شعبانی (۱۳۹۲)
اندازه اثر (S.E)		۰/۷۱۳		۰/۰۴۳	

مقصود از دخالت در زندگی زوجین، میزان تأثیرگذاری اشخاص مهم (دیگران مهم) در زندگی زن و شوهر است، به نحوی که روند ثابت و سالم زندگی زوجین را دچار اختلال و بحران نموده و احتمال اختلاف و یا جدایی آنها را افزایش می‌دهد. دیگران مهم (والدین، اقوام، همسایه‌ها، دوستان و همکاران) در زندگی زوجین، بصورت مستقیم (نظیر رضایت و ترقیب والدین به طلاق، اظهار نظر مستقیم نزدیکان راجع به خصوصیات همسر، بیان و آشکارسازی معایب همسر توسط دیگران، نشان دادن مزیت

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۲۷

او بر طرف مقابل) و غیر مستقیم (انجام رفتارهایی توسط اطرافیان نظیر به رخ کشیدن زندگی مرفه و سعادت‌مند خود به مرد یا زن درگیر طلاق، تمجید کردن از همسرانشان در نزد آن‌ها، تصویر سازی‌های واقعی و غیرواقعی از زندگی بی دغدغه خودشان) می‌تواند به‌طور معناداری بر طلاق اثر مثبت داشته باشد (ریاحی، ۱۳۸۶)

جدول شماره ۸ اندازه اثر پابندی دینی بر گرایش به طلاق را نشان می‌دهد، همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اثرات پابندی دینی بر طلاق متوسط و از نظر آماری معنادار شده است. پوترمن^۱ و کولمیجان^۲ (۲۰۰۲) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که افراد مذهبی که رفتارهایشان را باورهای آن‌ها تنظیم می‌کند کمتر طلاق می‌گیرند، افراد مذهبی تحت شرایط خاصی دست به طلاق می‌زنند.

جدول ۸- اندازه اثر پابندی دینی (متغیر مستقل) بر گرایش به طلاق (وابسته)

ردیف	نوع آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری
۱	پیرسون	-۰/۱۷	۰۰۰
۲	"	-۰/۸۳	۰/۱۱۹
۳	"	-۰/۴۳۵	۰۰۰
۴	"	۰/۱۲۷	۰/۰۴۹
۵	T	۵۱/۶	۰۰۰
اندازه اثر (S.E)		۰/۴۴	۰/۰۳۶

اثرات رفتار خشونت‌آمیز بر گرایش به طلاق در تحقیقات پیشین در جدول ۹ گزارش شده است، همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تحقیقات پیشین اثر متغیر خشونت خانگی بر گرایش به طلاق از نظر آماری معنادار بوده است و این اثر از نظر اندازه هم

-
1. Poortman
 2. Kolmijin

بالا بوده است. مطالعات نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان گاهی جزئی تصور می‌شود، اما شواهد و مدارک از پناهگاه‌های زنان مضروب شده، خلاف آن را نشان می‌دهد (گیدنز، ۱۹۹۵). خشونت علیه زنان پدیده‌ای است که در آن زن به دلیل جنسیت خود، مورد اعمال زور و تزییع حق از سوی جنس دیگر واقع می‌گردد و چنان چه این نوع رفتار در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود.

جدول ۹- اندازه اثر رفتار خشونت‌آمیز مرد (متغیر مستقل) بر گرایش به طلاق (وابسته)

ردیف	نوع آزمون	مقدار آماره	r	سطح معناداری	محقق
۱	خی دو	۱۴/۶۹	۰/۲۴	۰/۰۰۱	تقی پور (۱۳۸۳)
۲	"	۶۵/۰۸	۰/۵۱	۰۰۰	خانی (۱۳۸۳)
۳	t	۳۴/۷۹	۰/۹۹	۰/۰۰۱	آبروی (۱۳۸۳)
۴	"	۱۱/۵۶	۰/۹۹	۰۰۰	باقری، ساروخانی (۱۳۹۲)
۵	پیرسون	۰/۶۸	۰/۶۸	۰/۰۴	شهوولی (۱۳۹۰)
۶	"	۰/۵۲	۰/۵۲	۰/۰۵	سیف زاده و دیگران (۱۳۹۲)
اندازه اثر (S.E)			۰/۶۵۵	۰/۰۲	

از منظر کارکردگرایان وجود عقاید مختلف در خانواده سبب به وجود آمدن تضادهای پنهان یا آشکار می‌گردد. این تضادها ویژگی‌ها و کارکردهای مناسب خانواده را از میان می‌برد. رفع تضادهای خانوادگی با استفاده از ابزار قدرت و در مواردی از راه خشونت امکان پذیر می‌گردد. عواقب منفی اجتماعی نظیر افزایش هزینه مراقبت‌های بهداشتی به دلیل ابتلاء زن به بیماری‌های جسمی و روانی ناشی از خشونت، کاهش بهره‌وری و نیروی کار زنان و گرایش به طلاق از پیامدهای این معضل اجتماعی می‌باشد (آقاخانی و زائری، ۲۰۱۲).

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۲۹

در جدول شماره ۱۰ اندازه اثر مهارت‌های ارتباطی بر طلاق گزارش شده است، اندازه اثر مهارت‌های ارتباطی بر طلاق بالاست. این بدان معنا است که نداشتن مهارت ارتباطی بین زوجین از جمله عوامل اساسی گرایش به طلاق است.

جدول ۱۰- اندازه اثر مهارت‌های ارتباطی (مستقل) بر گرایش به طلاق (وابسته)

ردیف	نوع آزمون	مقدار آماره	r	سطح معناداری
۱	پیرسون	-۰/۶۳۴	-۰/۶۳۴	۰/۰۰۱
۲	"	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۰۰۱
۳	"	-۰/۶۷۲	-۰/۶۷۲	۰۰۰
۴	"	۰/۳۶	۰/۳۶	۰/۰۰۱
۵	F	۲/۲۱	۰/۷۲	۰/۰۰۴
۷	F	۱۲/۳۲	۰/۹۲	۰/۰۰۱
۸	F	۱۰/۳۵	۰/۹۱	۰/۰۰۱
۹	F	۳۵/۵۲	۰/۹۷	۰/۰۰۱
		اندازه اثر (S.E)	۰/۶۲۰	۰/۰۰۶

مهارت‌های ارتباطی آن دسته از مهارت‌هایی است که افراد با استفاده از آن می‌توانند درگیر تعامل بین فردی و فرآیند ارتباط شوند و شامل مهارت‌های متفاوتی است که مهم‌ترین آن‌ها مهارت‌های کلامی، گوش دادن و توانایی بازخورد است (هیرگ^۱ و ساندرز^۲، ۱۹۹۴). مهارت ارتباطی از نظر هیرگ و دیگسون^۳ (۲۰۰۴)، توانایی لازم برای انجام رفتاری است که باعث رسیدن به اهداف یک تکلیف می‌شود و در واقع باعث می‌شود فرد بصورتی شایسته و بجا رفتار کند. توانایی‌های ارتباطی افراد تحت تأثیر هوش هیجانی آنهاست، ضعف هوش هیجانی، باعث ناتوانی در پردازش اطلاعات

-
1. Hargie
 2. Saunders
 3. Dickson

شناختی و تنظیم هیجان‌ات به فراخور موقعیت‌های هیجان برانگیز می‌شود. پژوهش پارکر^۱ و تایلر^۲ (۲۰۰۱) نشان داد که همسرانی که توانایی درک و پذیرش احساسات و افکار یکدیگر را دارند، از زندگی خود راضی‌تر و خوشنودتر هستند و احتمال طلاق در آن‌ها کمتر است. اثر اندازه مشکلات جنسی زوجین بر طلاق در جدول شماره ۱۱ گزارش شده است؛ اندازه اثر مشکلات جنسی بر طلاق متوسط و معنادار بوده است. بر آورد می‌گردد که حدود ۲۵ تا ۶۳ درصد زنان از اختلالات جنسی رنج می‌برند و تفاوت‌های نژادی، قومی، فرهنگی و سنت‌های حاکم بر جامعه از عوامل تفاوت در شیوع اختلالات جنسی عنوان شده در بین کشورها محسوب می‌گردد (صفری‌نژاد، ۲۰۰۶). در تحقیق بر روی ۱۲۰ زن متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگاه خانواده شهر شیراز مشخص گردید که ۵۹/۱ درصد زنان احساس عصبانیت پس از فعالیت جنسی داشتند، ۶۳/۹ درصد بعد از روابط جنسی محبت نمی‌دیدند و ۶۶/۸ درصد زنان از معاشقه لذت نمی‌بردند و به طور کلی میانگین رضایت جنسی در زنانی که در شرف طلاق بودند از زنانی که قصد طلاق نداشتند به مراتب کمتر بود (رنجبران و دیگران، ۱۳۹۴).

جدول ۱۱- اندازه اثر رضایت جنسی (متغیر مستقل) بر گرایش به طلاق (متغیر وابست)

ردیف	ضریب همبستگی	سطح معناداری	محقق
۱	-۰/۴۹	۰۰۰	محمودی (۱۳۸۳)
۲	۰/۳۰۱	۰۰۰	کفاشی (۱۳۹۳)
۳	۰/۵۱۱	۰/۰۰۲	آقایی (۱۳۸۰)
۴	-۰/۴۹	۰۰۰	مختاری (۱۳۹۲)
۵	۰/۸۷	۰/۳۸	بخشی پور و دیگران (۱۳۹۱)
۶	۰/۲۷	۰/۰۵	شهوولی (۱۳۹۱)
۷	۰/۴۹	۰/۰۱	الحسینی (۱۳۹۰)
اندازه اثر (S.E)	۰/۴۹	۰/۰۴۹	

1. Parker
2. Taylor

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۳۱

اندازه اثر متغیر همسان همسری بر طلاق در جدول ۱۲ حدود ۰/۵۲ درصد برآورد شده است و این اندازه اثر در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده است. نتایج تحقیق هاشمی و همکاران (۱۳۹۳) نشان از غلبه قاطع الگوهای همسان همسری در ایران دارد. نتایج گویای این مطلب است که حدود ۹۰ درصد در خصوصیات ظاهری، ۸۹ درصد از نظر ویژگی‌های روانی - عاطفی، ۹۳ درصد در خصوصیات شخصیتی، ۶۸ درصد از نظر خصوصیات طبقاتی و ۸۸ درصد از نظر مذهبی از الگوهای همسان همسری تبعیت می‌کنند. این پژوهش نتیجه‌گیری می‌کند که در ایران گروه‌های مختلف برای ازدواج کسانی را انتخاب می‌کنند که از نظر خصوصیات ظاهری، روانی - عاطفی، شخصیتی، طبقاتی و مذهبی شباهت بیشتری با آنها دارند؛ هرچند شدت و ضعف این الگوها در میان زنان و مردان متفاوت است.

جدول ۱۲- اندازه اثر همسان همسری (مستقل) بر گرایش به طلاق (وابسته)

ردیف	نوع آزمون (ضریب همبستگی)	مقدار آماره	سطح معناداری	محقق
۱	ضریب همبستگی	۰/۱۰۳	۰/۰۵	رحمت پور (۱۳۹۰)
۲	"	۰/۴۹	۰/۰۵	شهوئی (۱۳۹۰)
۳	"	-۰/۴۹۴	۰۰۰	پروین (۱۳۹۱)
۴	"	۰/۹۹	۰۰۰	الماسی (۱۳۹۲)
۵	"	۰/۳۱۵	۰/۰۵	محمدی (۱۳۹۱)
۶	"	۰/۹۱	۰/۰۳۵	عنایت (۱۳۹۲)
اندازه اثر (S.E)		۰/۵۲	۰/۰۴۹	

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از تکنیک فراتحلیل اندازه اثر خالص هر یک از عوامل مؤثر بر گرایش به طلاق مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. مطالعات قبلی در زمینه فرا

تحلیل طلاق (عرب، ابراهیم زاده پزشکی و مروتی شریف آبادی ۱۳۸۱)، روشن فکر و جواهری، ۱۳۹۰، کاظمی پور و خوش نویس ۱۳۹۱، اسماعیل زاده، سلطانی فر و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که عواملی نظیر مشکلات اقتصادی (بیکاری مرد، ندادن نفقه، کم درآمدی)، سوء خلق و کج رفتاری، اعتیاد، دخالت اطرافیان، نارضایتی جنسی، عدم تفاهم و سازش، تفاوت‌های فرهنگی، تفاوت انتظارات، اختلاف سنی زیاد زوجین، روابط جنسی نامشروع و فساد اخلاقی از جمله عوامل اصلی گرایش به طلاق می‌باشند. در حالی که محاسبات انجام شده در این مقاله در زمینه اندازه‌های اثر متغیرهای تعیین کننده طلاق در ایران نشان دهنده آن است که شکل توزیع قدرت بین زن و شوهر با اندازه اثر ۰/۸، دخالت اطرافیان با اندازه اثر ۰/۷۱۳ رفتارهای خشونت‌آمیز با اندازه اثر ۰/۶۵۵ مهارت‌های ارتباطی با اندازه اثر ۰/۶۲ اعتیاد با اندازه اثر ۰/۵۸ به عنوان پنج عامل اصلی گرایش به طلاق شناخته شده‌اند. بر عکس تحقیقات پیشین که عوامل اقتصادی را در صدر علل طلاق معرفی کرده بودند، در این مقاله، در بین عوامل اقتصادی بویژه شغل و درآمد، فقط عامل درآمد از نظر آماری معنادار شده است.

این چرخش و دگرگونی در منظومه علل طلاق می‌تواند حاوی پیام‌های مهمی برای ما درباره تغییر در ساختار خانواده ایرانی از سلسله مراتب قدرت و مالکیت باشد. همواره یکی از ویژگی‌های اصلی خانواده‌های ایرانی مردسالاری و پدرسالاری بوده است. در سال‌های اخیر با افزایش تحرک اجتماعی زنان بویژه ارتقاء سطح تحصیلات و افزایش مشارکت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، این ساختار در معرض دگرگونی‌های اساسی قرار گرفته است. مطالعات نشان می‌دهند هرچه مشارکت و استقلال اقتصادی زنان بیشتر شده، امکان اعمال قدرت مردان بر آن‌ها کمتر شده است. زنان جامعه امروزی با توجه به ارتقاء موقعیت اجتماعی و اقتصادی‌شان می‌خواهند در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی خانوادگی به خصوص مالکیت منابع اقتصادی، الگوی روابط اجتماعی خانواده، هزینه کرد پول، خرید امکانات منزل و تربیت فرزندان نقش فعال و تعیین کننده داشته باشند، در حالی که بسیاری از مردان این نوع مداخلات زنان را

بر نمی‌تابند و ممکن است با واکنش‌های پرخاشگرانه بخواهند قدرت زن را در خانواده در همه ابعاد و بخشی از آن‌ها محدود کنند، زنان نیز در برابر این محدودیت‌های ساخته دست مردان مقاومت نشان می‌دهند که در نتیجه زمینه بروز ناسازگاری‌ها و نهایتاً طلاق فراهم می‌شود.

در این تغییر موازنه قدرت در خانواده، مدیریت تعارضات یک پارامتر مهم به شمار می‌رود، در زمینه مدیریت تعارض، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی نقش بسیار مهمی دارند. زنان و مردانی که توانمندی‌های ارتباطی ضعیفی دارند در این کشاکش سهمین شدن قدرت و مالکیت و اعمال نظر در خانواده با بن بست‌های اساسی مواجه می‌شوند و روابط صمیمی و محبت‌آمیز اعضای خانواده، تبدیل به رقابت‌های بی‌پایانی می‌شود که جو صمیمانه خانواده را تبدیل به یک گفتمان متخاصمانه می‌کند. از بین رفتن این فضای صمیمی و برآورده نشدن نیازهای عاطفی باعث اختلال‌های اساسی در سایر کارکردهای خانواده می‌شود. پارسنز دو کارکرد اساسی خانواده‌های هسته‌ای محدود جامعه جدید را جامعه‌پذیری و شکوفایی و ثبات شخصیت بزرگسالان می‌داند و معتقد است که این دو کارکرد فقط در روابط صمیمی و محبت‌آمیز قابل تحقق‌اند. جهت افزایش پایداری و انسجام خانواده و کاهش طلاق، مردان بایستی تغییرات نقشی و موقعیتی زنان را پذیرا باشند، رویکردهای مردسالارانه خود را تعدیل کنند، از طرفی آموزش مدیریت تعارضات درون خانوادگی در بین زوجین جوان موضوعی است که مددکاران اجتماعی بایستی از آن غفلت ورزند.

همان‌گونه که اشاره شد در بین مجموعه عوامل مورد بررسی در این مقاله، عوامل الگوی توزیع قدرت بین زن و شوهر، دخالت اطرافیان، رفتارهای خشونت‌آمیز و مهارت‌های ارتباطی مهمترین تعیین‌کننده‌های گرایش به طلاق در کشور هستند. در توضیح و تبیین گردهمایی این عوامل، در صدر عوامل مؤثر بر طلاق در ایران می‌توان گفت که با توجه به ارتقاء موقعیت زنان به واسطه افزایش سطح تحصیلات و حضور بیشتر آن‌ها در سطوح آموزش عالی از یک سو و مشارکت اجتماعی و اقتصادی بیشتر

آنها نسبت به گذشته از سوی دیگر، زنان دیگر حاضر به پذیرش ساختار سنتی قدرت در خانواده ایرانی نیستند و در همه امور می‌خواهند نظر و نقش برابر با شوهران خود داشته باشند. آنها می‌خواهند حضور و نقش آنها در خانواده و در محیط اجتماعی بهتر دیده شود، آنها می‌خواهند نگاه سنتی به آنها تغییر کند، بسیاری از آنها نگرش‌های مردسالارانه را بر نمی‌تابند.

اما بسیاری از مردان همچنان نگرش‌های برتری جویانه نظام مردسالاری را دارند، برای زنان نقش قابل توجهی در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی قائل نیستند. آنان در مقابل این مطالبات و خواست‌های برابری طلبانه زنان مقاومت می‌کنند. ضعف مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی موجب می‌شود که زنان و شوهران نتوانند از راه مذاکره و گفتگوی منطقی و مسالمت آمیز به حل اختلافات و مسائل خود بپردازند، این ضعف‌ها موجبات استفاده از رفتارها و گفتارهای خشونت‌آمیز بین زوجین را فراهم می‌کند. در این مرحله فضای خانواده به سوی تشنج و نا آرامی کشیده می‌شود. در این میان زن یا شوهر ممکن است که جهت حل مسئله به نزدیکان خود اعم از مادر، پدر، خواهر، برادر مراجعه کنند و از آنها کمک بگیرند و یا با توجه به شرایط و وضعیت به وجود آمده، اطرافیان نزدیک در این اختلافات دخالت کنند. به دلایل تعصبان خانوادگی، یا عدم آگاهی و دانش لازم ممکن است آنها آب در آسیاب اختلاف‌ها بریزند، تنش‌ها و اختلافات پر دامنه شوند و جو صمیمانه خانواده تبدیل به یک فضای رقابتی و متخاصمانه شود. در این شرایط تمایل طرفین به طلاق و جدایی بیشتر می‌شود. این طلاق و جدایی شاید برای مدتی به‌طور عاطفی و احساسی باشد، اما در نهایت منجر به طلاق قطعی می‌شود.

مددکاران اجتماعی در این بستر متزلزل و آسیب پذیر خانواده می‌توانند نقش غیر قابل انکاری در حل و فصل مشکلات زوجین داشته باشند. البته ابتدا بایستی فرهنگ مراجعه به مشاور یا مددکار اجتماعی در خانواده‌ها جا بیفتد. متأسفانه در بسیاری از خانواده‌ها به دلیل حفظ آبرو و یا کسرشان و... خانواده‌ها به مشاوران مددکاری مراجعه

نمی‌کنند. آن‌ها می‌خواهند مسائل از دید و نگاه اطرافیان، دوستان و مشاوران پنهان بماند و وقتی که شرایط به نقطه بحرانی رسید، سایرین ممکن است با خبر شوند و شاید دیگر در این مرحله، ترمیم روابط بین اعضاء خیلی دیر شده باشد. بنابراین یکی از توصیه‌های جدی این است که مسئولان اجتماعی و فرهنگی کشور تلاش نمایند تا مراجعه به مددکاران اجتماعی در هنگام بروز اختلافات خانوادگی، به‌عنوان یک فرهنگ خوب و پسندیده را در کشور جا بیندازند. مددکاران اجتماعی با دانش تخصصی خود و با بهره‌برداری از روش‌های کار با فرد، خانواده و محیط اجتماعی به شناخت درست مشکلات ارتباطی و اجتماعی پی می‌برند و با بهره‌گیری از نگاه علمی و چند بُعدی که در حرفه مددکاری است، می‌توانند در پیشگیری، حل مسائل در حین طلاق و مسائل و مشکلات بعد از طلاق کمک رسان باشند. آن‌ها با مداخلات مددکارانه سعی خواهند کرد به ترمیم روابط آسیب‌دیده زناشویی کمک کنند. مددکاران اجتماعی از طریق توانمندسازی طرفین، با نقش بازی کردن به‌عنوان یک میانجی بیطرف و متخصص و آگاه به علم روز، می‌توانند برای حل و فصل مسائل و مشکلات زوجین قدم‌های اساسی بردارند.

منابع

- آبروی، مریم. (۱۳۸۸). بررسی عوامل پیش‌بینی کننده طلاق در زوجین شهر اصفهان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه اصفهان.
- احدی، مهناز. (۱۳۸۸). بررسی علل طلاق در بین دختران خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد خمینی در شهر سنندج. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه پیام نور استان تهران.
- احمدی حبیب. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی بر نابرابری جنسیتی در خانواده‌های شهر کرمان و پیرامون، *فصلنامه مطالعات زنان*.
- اسحاقی، محمد؛ محبی، سیده فاطمه؛ پروین، ستاره؛ محمدی، فریبرز. (۱۳۹۱). سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق زنان در شهر تهران. *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۳.

- اسماعیل زاده، بقائی و عمیدی. (۱۳۹۴). "مرور سیستماتیک تحقیقات انجام شده در زمینه طلاق"، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، شماره ۲۷.
- آقای، اصغر؛ قاسمی، علی. (۱۳۸۰). مقایسه میزان سازگاری روان‌شناختی در مراجعین به مرکز پیشگیری از طلاق و زوجهای عادی. دانش و پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان. علوم تربیتی و روانشناسی، شماره ۱۰.
- اکبری، فریبا. (۱۳۹۳). بررسی میزان طلاق عاطفی و پیامدهای اجتماعی، روانی آن. (مطالعه موردی زوجین شهر سنندج). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده مدیریت و حسابداری. دانشگاه تبریز.
- بارانی، مطهره. (۱۳۹۲). مقایسه ساختار قدرت در خانواده و عزت‌نفس زنان متقاضی طلاق و رضایتمند شهر بندرعباس. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده روانشناسی. دانشگاه هرمزگان.
- باقری، علیرضا؛ ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی طلاق و سلامت روانی اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیر توافقی. *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، سال هشتم، شماره ۲۶.
- بخشی پور، باب‌الله؛ اسدی، مسعود؛ کیانی، احمدرضا؛ شیرعلی پور، اصغر؛ احمد دوست، حسین. (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، شماره ۲.
- بهاری، فرشاد؛ احمدی، احمد؛ فاتحی زاده، مریم؛ مولوی، حسین؛ بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۹). تأثیر مشاوره زناشویی مبتنی بر امید، بخشش و ترکیبی از این دو بر میزان تحریف‌های شناختی بین فردی زوج‌های متقاضی طلاق. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۸.
- بهجتی اردکانی، فاطمه؛ نصر اصفهانی، احمدرضا؛ فاتحی زاده، مریم. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر فرهنگ در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد. *مجله فرهنگ یزد*، ۲۰.
- تارین، سرکوت. (۱۳۸۸). بررسی نگرش جوانان نسبت به طلاق و ازدواج. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- تقی پور، غلامرضا. (۱۳۸۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تقاضای طلاق زوجین متقاضی طلاق مراجعین. (مرکز مشاوره طلاق شهر ساری طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۹). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- توسلی، غلام عباس؛ غیاتی ندوشن، علی. (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق در دهه‌های اخیر. *علوم اجتماعی: مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، شماره ۴.

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۳۷

- جلیلیان، زهرا. (۱۳۷۸). «عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران» *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشگاه علامه طباطبایی. (۴۸).
- چابکی، ام‌البین. (۱۳۸۲). آموزش و جنسیت در ایران، *فصلنامه مطالعات زنان*.
- حسینی، توحید. (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی مؤثر بر افزایش طلاق در سال ۱۳۹۳ (منطقه ۵ تهران). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- الحسینی، فاطمه. (۱۳۹۰). گونه‌شناسی نگرش زنان مطلقه نسبت به طلاق. (شهر اراک). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- حیدری، امیر. (۱۳۸۷). مطالعه‌ای درباره موانع و مشکلات انتخاب همسر در بین دانشجویان علوم پزشکی همدان، *اولین کنفرانس ملی ازدواج و سلامت روانی*.
- خانی، لطفعلی. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی و فردی مؤثر بر درخواست طلاق: بررسی تطبیقی دو گروه از خانواده‌های درخواست دهنده طلاق و طلاق نگرفته. (میان‌دوآب). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه پیام نور استان تهران.
- خلیلی، مرجان. (۱۳۷۸). بررسی تضاد در خانواده با تأکید میان تضاد در همسران و عوامل مؤثر بر آن. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. دانشگاه الزهراء. (س).
- دلاور، علی. (۱۳۸۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران، انتشارات رشد.
- رحمت پور، بخشان. (۱۳۹۰). نگرش بر طلاق و تحلیل روند آن در ایران، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- رستگاری، شیوا. (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با اقدام به طلاق زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده. (مطالعه موردی شهر سمنجان و پاوه). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه شیراز.
- رنجبران مهدی، چیدری مینا، مطوری پور پگاه. (۱۳۹۴). بررسی شیوع اختلالات عملکرد جنسی زنان در ایران: مرور ساختاریافته و متاآنالیز، *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزه وار*، دوره ۲۲، شماره ۷.
- ریاحی محمد اسماعیل؛ علیوردی نیا اکبر، کاکاوند؛ بهرامی سیاوش. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق، مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه، *پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۳.

- ساروخانی، باقر؛ قاسمی، علیرضا. (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر برافزایش طلاق توافقی در شهرستان کرمانشاه. *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، شماره ۲۱.
- سعیدیان، فاطمه؛ نوایی‌نژاد شکوه؛ کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی، *پژوهش‌های مشاوره*، دوره ۷، شماره ۲۸.
- سیف‌زاده، علی؛ قنبری، علی. (۱۳۹۲). بررسی نقش خشونت بر میزان طلاق در میان زنان. *فصلنامه زن و جامعه*، شماره ۳.
- شعبانی، سعید. (۱۳۹۲). بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با آن مورد مطالعه: افراد متأهل شهر همدان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تبریز.
- شهولی، کیامرت؛ رضایی‌فر، سلطان مراد. (۱۳۹۰). بررسی علل ناسازگاری و طلاق در خانواده‌های شهرستان ایذه. *علوم اجتماعی: جامعه پژوهی فرهنگی*، شماره ۳.
- صداقت، کامران؛ اسدیان، عقیل. (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق. (مطالعه موردی: شهرستان قائم‌شهر). *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۵۴.
- طباطبائی، قاضی؛ ودادهیر، ابوعلی. (۱۳۸۹). *فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری*، انتشارات جامعه‌شناسان.
- طوسی، وحیده. (۱۳۷۷). بررسی طلاق از دیدگاه جامعه‌شناسی و عوامل مرتبط با آن، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- عرب، ابراهیم زاده پزشکی؛ مروتی شریف آبادی. (۱۳۹۳). طراحی مدل فرا ترکیب عوامل مؤثر بر طلاق با مرور نظام مند مطالعه‌های پیشین، *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، دوره ۱۰، شماره ۴.
- عسگری، حشمت‌اله؛ بادیا، بهروز. (۱۳۹۳). اثر نوسانات موقت و پایدار درآمد بر طلاق در ایران، *فصلنامه اقتصاد مقدار*.
- عسگری، سعید؛ رشیدی، علیرضا؛ نقشینه، طیبه؛ شریفی، سارا. (۱۳۹۴). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و تمایز یافتگی خود با کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق. *رویش روانشناسی*، شماره ۱۱.
- عنایت، حلیمه؛ نجفی‌اصل، عبدالله؛ زارع، صادق. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر. *فصلنامه پژوهش‌های جامعه معاصر*، شماره ۳.

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ... ۳۹

- عیسی مراد، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دلبستگی زوجین در معرض طلاق و زوجین عادی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- قادری نیا، کوهسار. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق و علل آن. (تهران). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- قاسمی، هانیه. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر اقدام به طلاق در ۵ سال اول زندگی مشترک. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- کامکار، علی؛ طوبار طوری. (۱۳۹۰). نگرش دانشجویان علوم پزشکی یاسوج در مورد ازدواج، *ارمغان دانش*، شماره ۱۵ و ۱۶.
- کفاشی، مجید؛ سرآبادانی، سمیه. (۱۳۹۳). عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی دو گروه زنان متأهل خانه‌دار و شاغل شهر قم. *دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال سوم، شماره ۵.
- کلاتری، روشنفکر و جواهر. (۱۳۹۰). مرور سه دهه تحقیقات "علل طلاق" در ایران، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، شماره ۵۳.
- کلاتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام. (۱۳۹۰). مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۴، شماره ۵۳.
- الماسی، احسان. (۱۳۹۲). مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش و ادراک شهروندان نسبت به طلاق. (آران بیگدل). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- محمدی، حسین. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر طلاق. (خمين سال ۱۳۹۰). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه آزاد تهران واحد مرکزی.
- محمودی، ابراهیم. (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق. (شهر یاسوج). *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه یاسوج.
- محمودیان، حسین؛ خدامرادی، حسام. (۱۳۸۹). بررسی رابطه طلاق و توسعه اقتصادی اجتماعی در شهرستان‌های کشور سال ۱۳۸۵. *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*.

- مددی، حسین. (۱۳۸۰). بررسی علل تقاضای طلاق زوجین از دیدگاه اقتصادی-اجتماعی. (شهر اراک) *پایاننامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مهدی خانی سرو جهانی، لیلا. (۱۳۸۳). مقایسه زنان متقاضی طلاق در زنانی که همسرشان متقاضی طلاق هستند، *پایاننامه کارشناسی ارشد*. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی. دانشگاه الزهرا (س).
- مهدی‌زاده، شراره؛ صالحی، ناهید. (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر روابط زوجین در خانواده تهران‌های روستایی استان، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۵، شماره ۳.
- نظری، علی‌محمد. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق. (اصفهان). *پایاننامه کارشناسی ارشد*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه اصفهان.
- هاشم زهی، نوروز. (۱۳۹۰). آسیب‌های اجتماعی در کلانشهر تهران، فراتحلیل پژوهش‌های طلاق و حاشیه نشینی، اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- هاشمی، سیدضیاء؛ فولادیان مجید و دیگران. (۲۰۱۵). بررسی تجربی دو نظریه رقیب همسرگزینی در ایران، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۴.
- یزدانی، عباس؛ حقیقتیان، منصور؛ کشاورز، حمید. (۱۳۹۱). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهرکرد). *فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، شماره ۶.
- Matysiak, A., Styr, M., & Vignoli, D. (2014). *The educational gradient in marital disruption: A meta-analysis of European research findings*. Population Studies, 68(2), 197-215.
- Amato, P. R & Keith, B. (2001) "Children of Divorce in the 1990s: An Update of the Amato and Keith Meta-Analysis". *Journal of Family Psychology*. Volume 15, Issue 3, Pages 355-370.
- Koo, H. P., Suchindran, C. M., & Griffith, J. D. (1984). *The effects of children on divorce and re-marriage: A multivariate analysis of life table probabilities*. Population Studies, 38(3), 451-471.
- Bernardi, F., & Martínez-Pastor, J. I. (2011). Divorce risk factors and their variation over time in Spain. *Demographic Research*, 24, 771-800
- Bramlett, M. D., & Mosher, W. D. (2002). Cohabitation, marriage, divorce, and remarriage in the United States. Vital health statistics, 23(22), 1-32.

سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش ...

- Brien, M. J., Lillard, L. A., & Stern, S. (2006). Cohabitation, marriage, and divorce in a model of match quality. *International Economic Review*, 47(2), 451-494
- Hargie, O., Saunders, C., & Dickson, D. (1994). *Social skills in interpersonal communication*
- Hargie, O., Dickson, D., & Tourish, D. (2004). *Communication skills for effective management*
- Parker, J. D., Taylor, G. J., & Bagby, R. M. (2001). The relationship between emotional intelligence and alexithymia. *Personality and Individual Differences*, 30(1), 107-115.
- Poortman, A. R., & Kalmijn, M. (2002). Women's labour market position and divorce in the Netherlands: Evaluating economic interpretations of the work effect. *European Journal of Population/Revue europeenne de demographie*, 18(2), 175-202.
- Safarinejad M. Female sexual dysfunction in a population-based study in Iran: prevalence and associated risk factors. *International journal of impotence research*. 2006; 18(4):382-95.